

آینه قرآن

سارا میرنظامی

همانگونه که پیش از خلقت اشرف مخلوقات (انسان)، لطف خداوندی نسبت به خلق و ایجاد کل عالم امکان مشهود است و همواره خدای مهربان انسان را با مواهب لایزال خود همراه کرده و ما شاهد همه آثار و آیات لطف خداوندی هستیم، به همین سبب از زمانی که خداوند، انسان را با کل مواهب به حال خود قرار داد، بی شک راه‌هایی را برایش ایجاد نمود تا ایشان از مسیر حقیقت دور نماند و مایه آرامشش را در دست داشته باشد، هنر راهی است که انسان بواسطه آن می‌تواند به درک واقعی وجود خداوند دست یابد و از دغدغه‌های دنیای مادی رها و به آرامش و تجدد قوای جسمی و روحی خود برسد.

یکی از جلوه‌های هنر (راه رسیدن به حقیقت) هنر قدسی و آئینی (زرنگاره) یا تذهیب است که مایه جان هنرمند زرنگار می‌باشد. هنر قدسی و معنوی زرنگار (تذهیب) ساختاری ریزگونه دارد که با نگاه‌های سطحی و ظاهری، امکان درک معانی ژرف و شفاف آن نیست هنر تذهیب از احترام و جایگاه ویژه نزد مردمان گیتی پهناور به خصوص مسلمانان و مسیحیان برخوردار است که از لحاظ حرمت در حدی است که به موازات آیات تحریری قرآن کریم، صاحب ارزش و احترام می‌باشد که قرن‌ها این امر بر تمامی مسلمین

جهان اثبات و پذیرفته شده است. به عبارتی زرنگاره یا تذهیب را می توان آیات تصویری و از آیات قرآن به آیات تحریری یاد کرد اگر از صورت معانی هنر تذهیب که عرصه بی پایانی است بگذریم و کمی به صورت شکلی آن پردازیم، لازم است کمی به تفکیک، تذهیب را این گونه تفسیر کرد:

تذهیب کلمه ای عربی بر باب تفعیل به معنای زرانود، طلاکاری و یا طلا اندازی است که در زبان فارسی معادل آن را می توان زرنگاره گفت. تذهیب از دو عنصر اسلیمی و ختائی که اشاره به گلها و شاخ و برگ های بهشتی دارد با آرایشی موزون و زیبا در کنار هم قرار گرفته و روح و جسم انسان را به وجد در می آورد و به حال بهجت می برد، گفتنی ها در این حوزه بسیار است، لذا امکان بسط آن در این محدود مقرر و تکلیف شده محال است. نگارگری ایرانی، نقاشی ایرانی یا مینیاتور هر سه نام هایی هستند که همه عزیزان خواننده با آن نیز آشنا می باشند که مجموعه ای از آثار تصویری، انتزاعی و مجرد از عالم ماده را در بر می گیرد، که در آن هنرمند عارف نگارگر هیچ گاه سعی در به تصویر کشیدن صورت ظاهر اشیاء و اجسام را ندارد بدنبال کشف حقیقت و ماهیت معنای آن می باشد و پردازش به تصویرگری انسانی بیشتر در پی نمایان ساختن شخصیت انسانی است نه در پی نمایاندن جنسیت انسان.

این نگرش صورت عام به کل آرایه ها را دارد، چه آرایه های حیوانی، گیاهی و نباتی و یا انسانی. پس نگارگری ایرانی برداشتی غنی تر و ژرف تر است به محیط وقایع پیرامون خود را دارد و درگیر نمودارهای مادی نبوده و اگر توجهی هم هست به صورت گذاراست. به همین سبب محدودیت نقاشی را ندارد و فارغ از زمان و مکان می باشد.

نگارگری، هنری معنوی است که در آن اثری از فنا نیست و همه آرایه ها نمادی از مانائسیم هستند و ماناست، لذا هنر قدسی نگارگری اشاره مستقیم و مفهومی به حقیقت وجود خداوند بزرگ دارد که او نیز فناپذیر و ماناست.